

Investigating the effects of border markets on social security, job creation and economic policies of border cities in the west of the country

Abdolreza Nourmohammadi

Ph.D. of Sociology, Teacher of Social Sciences, Shahriar, Tehran. Iran
normohamad@yahoo.com (Corresponding author)

Masoumeh Heidary zargoush

Ph.D. of Sociology, Teacher of Social Sciences, Gouaver Region, Kermanshah. Iran
heidaryzargoosh.m@gmail.com

Abstract

Objective: the purpose of the present study is to investigate the effects of border markets on social security, employment and economic policies in the western border cities of the country.

Methodology: The present study is an applied research based on the existing goals and the research is based on qualitative-quantitative paradigm and applied technique for data gathering and survey data. The statistical population of the study consists of experts in the qualitative section and in the quantitative section of all the indigenous inhabitants of the western border crossings of the country, with a population of about 321,000. The research tool is an open-ended questionnaire (in the form of interviews) in the first phase and a researcher-made questionnaire in the quantitative phase, consisting of 42 questions. The face validity method was used to assess the validity of the research instrument. Research data were also collected using multistage cluster sampling. Exploratory factor analysis and confirmatory factor analysis were used to confirm the questions, all of which were validated. For statistical analysis, Pearson correlation coefficient was used to identify the relationship and structural equation modeling was used to measure effectiveness. The whole process of analyzing the results was done using Spss 24 and Amos 24 software.

Results: The results showed that there is a significant relationship between the variables of border crossing points with social security, employment and economic policies of the western cities of the country.

Keywords: Border Market, Social Security, Employment, Economic Policies

بررسی تأثیرات بازارچه‌های مرزی بر امنیت اجتماعی، اشتغالزایی و سیاستگذاری - های اقتصادی شهرهای مرزی غرب کشور

عبدالرضا نورمحمدی

دکترای جامعه‌شناسی، دبیر علوم اجتماعی، شهریار، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول) normohamad@yahoo.com

معصومه حیدری زرگوش

دکترای جامعه‌شناسی، دبیر علوم اجتماعی، منطقه گاوور، کرمانشاه، ایران.

heidaryzargoosh.m@gmail.com

چکیده

هدف: پژوهش حاضر بررسی تأثیرات بازارچه‌های مرزی بر امنیت اجتماعی، اشتغالزایی و سیاستگذاری‌های اقتصادی شهرهای مرزی غرب کشور می‌باشد.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر با توجه به اهداف موجود، از نوع پژوهش‌های کاربردی است و نوع پژوهش مبتنی بر پارادایم کیفی - کمی و تکنیک به کارگیری برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل خبرگان و در بخش کمی کلیه سکنه بومی بازارچه‌های مرزی غرب کشور می‌باشد که جمعیتی در حدود ۳۲۱۰۰۰ نفر می‌باشند که نمونه مورد بررسی برای پژوهش حاضر برابر با ۷۴۴ نمونه بود. ابزار پژوهش در مرحله اول پرسشنامه باز پاسخ (در قالب مصاحبه) و در مرحله کمی پرسشنامه‌ای محقق ساخته و مشتمل بر ۴۲ سؤال می‌باشد. که به منظور بررسی روایی ابزار پژوهش از روش اعتبار صوری استفاده گردید. همچنین داده‌های پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای گردآوری گردید. برای تأیید سؤالات از تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده که تمامی عامل‌ها مورد تأیید قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل آماری از ضریب همبستگی پیرسون برای شناسایی ارتباط و مدل معادلات ساختاری برای سنجش اثربخشی استفاده شد. تمامی فرآیند تجزیه و تحلیل نتایج حاصله با استفاده از نرم افزارهای Spss 24 و Amos 24 صورت گرفته است.

یافته‌ها: نتایج بدست آمده نشان داد که بین متغیر بازارچه‌های مرزی با امنیت اجتماعی، اشتغالزایی و سیاستگذاری‌های اقتصادی شهرهای مرزی غرب کشور ارتباط معناداری وجود دارد و همچنین بازارچه‌های مرزی بر امنیت اجتماعی، اشتغالزایی و سیاستگذاری‌های اقتصادی شهرهای مرزی غرب کشور اثرگذار بوده است.

کلیدواژه‌ها: بازارچه مرزی، امنیت اجتماعی، اشتغالزایی، سیاستگذاری‌ها اقتصادی

۱- مقدمه و بیان مسئله

امروزه کشورهای مختلفی اعم از توسعه یافته و یا در حال توسعه با توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای و برای دستیابی به اهدافی نظیر توسعه اقتصاد ملی، جذب سرمایه‌های خارجی، استفاده از برتری‌های نسبی، ایجاد فرصت‌های شغلی، تربیت نیروی انسانی، افزایش داده‌های ناشی از فعالیت‌های خدماتی، آشنایی تجربی با اقتصاد جهانی، توسعه منطقه‌ای و تبدیل بخش‌های عقب مانده به قطب‌های توسعه، اقدام به ایجاد بازارچه‌های مرزی نموده‌اند (علیزاده، ۱۳۹۳: ۶۵).

بازارچه مرزی محوطه‌ای است محصور در نقطه صفر مرزی و یا مکان‌هایی است که طبق تفاهم نامه‌های منعقد شده بین ایران و کشورهای همسایه ایجاد شده و امکان صادرات و واردات کالا را با برخی تسهیلات میسر می‌کند (پورنظمی، ۱۳۸۹: ۲۴۱). در سال ۲۰۰۰، برنامه توسعه سازمان ملل^۱ بر اساس بررسی‌های انجام شده در بین شهرهای ۱۵۱ کشور، بیکاری و کمبود درآمد را به عنوان مهمترین مشکل شهرهای جهان ذکر کرده است (رضویان، ۱۳۹۱: ۲۵).

در ایران نیز مسئله پایداری اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی شهرهای مرزی و دستیابی به شاخص‌های امنیتی به طور اعم در شهرهای غیر مرزی کشور و به طور اخص در شهرهای مرزی با جدیت دنبال شده است. در این راستا رشد فرصت‌های شغلی و درآمدی از طریق توسعه بازارچه‌های مرزی، یکی از راهبردهای توسعه شهری محسوب می‌شود (رضایی، ۱۳۹۷: ۴۶).

ایجاد و توسعه بازارچه‌های مرزی علاوه بر نقش اقتصادی در نواحی مرزی، پیامدهایی اجتماعی و فرهنگی نیز به دنبال دارد و باعث بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر، تسریع همکاری‌های بیشتر بین نواحی مرزی می‌شود. لذا با رویکرد به ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بازارچه‌های مرزی، پرداختن به آن و برنامه‌ریزی دقیق برای آن می‌تواند بسیاری از مسائل و مشکلات مردمان شهرهای مرزی را کاهش دهد. از آنجایی که بازارچه‌های مرزی بین دو کشور و بعضاً چند کشور ایجاد می‌شود، که علاوه بر توسعه مناطق داخلی، منجر به یک نوع مناسبات اجتماعی و فرهنگی نیز می‌شود، که از طریق این مناسبات و ارتباطات می‌توان به ارتقاء فرهنگی و همزیستی مسالمت‌آمیز و همچنین رابطه حسنه و حس همجواری با مردم مرزنشین کشورهای همجوار ایجاد نمود. شهرهای مرزی به جهت اینکه در انزوای جغرافیایی به سر می‌برند و به دلیل دوری از مرکز و آثار توسعه مرکز محور، نیاز به حمایت بیشتری دارند

به همین جهت بازارچه‌های مرزی می‌توانند بسیاری از مسائل و مشکلات شهرهای مرزی را برطرف سازند و به فرصتی برای دستیابی به خواسته‌های مردم بومی این مناطق تبدیل شوند (فیش^۱، ۲۰۱۸: ۳۹).

مطالعات نشان می‌دهد که در برخی مناطق مرزنشین از گذشته به لحاظ همگنی‌های اکولوژیکی، خصوصیات اجتماعی، و قرابت‌های قومی با مردم مرزنشین آن سوی مرزها، از یک سو و نبود یک راهبرد آمایشی در برنامه‌های توسعه ملی از سوی دیگر پیوسته انگیزه ساز بسیاری از تحرکات غیر رسمی و مبادلات ناخواسته، جابجایی و انتقال جمعیت به صورت کوچ‌های دسته جمعی به کشورهای همسایه و شهرهای بزرگی بوده است (کاتک^۲، ۲۰۱۹: ۴۳). اثرات منفی این جریانات بر پیکر امور اقتصادی و بازرگانی کشور، آشفتگی و ناامنی ساختاری و عدم ثبات جمعیت مناطق مرزنشین بر کسی پوشیده نیست. وجود چنین تفاوت‌ها و عدم تعادل‌های منطقه‌ای تأثیرات عمده‌ای در روند توسعه مناطق مرزی برجای گذاشته است. اقتصاد نواحی مرزی در واقع شاخص اصلی و اساسی در برقراری ارتباط بین کشورهای همسایه و خانوارها و مردم ساکن نواحی مرزی می‌باشد (چاندوویت^۳، ۲۰۱۴: ۱۵۳).

شهرهای مرزنشین غرب کشور ۲۳۰ کیلومتر، مرز مشترک با کشور همسایه دارند و بواسطه همین مرز مشترک شهرهای مختلفی از دو کشور از طریق بازارچه‌های مرزی با یکدیگر به دادوستد و تجارت می‌پردازند و این دادوستد خود نیز منجر به وجود آمدن مجموعه‌ای از ارتباطات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی در بین مردم مرزنشین کشورهای همجوار می‌شود. در این بین باید مجموعه‌ای از تهدیدات و فرصت‌های اجتماعی را در نظر گرفت که در صورت کم‌توجهی و یا بی‌توجهی مسئولین بازارچه‌ها و شهرداری‌ها و فرمانداری‌های شهرهای مرزی، این فرصت‌های اجتماعی به تهدیدات برای مردم بومی و خصوصاً جوانان و شهرهای مرزی تبدیل می‌شود، فرصت‌های اجتماعی مانند، ایجاد بستر برای گردشگری، امنیت اجتماعی، برقراری رابطه حسنه و حسن همجواری، محرومیت‌زدایی، ایجاد اشتغال، ممانعت از تخلیه مرزها و نگه‌داشتن جمعیت، ایجاد و توسعه مناطق شهری و... می‌باشد همچنین تهدیدات اجتماعی بازارچه‌های مرزی در این مناطق همچون رواج فرهنگ کلاهبرداری و تقلب و دروغ بین تجار، قتل تجار ایرانی برای وصول چک، تهدید و قتل رانندگان کامیون عراقی در ایران، رواج الگوی مصرف گرایی، عدم ارائه خدمات رفاهی، قاچاق سوخت، اسلحه، مواد مخدر، انواع مشروبات الکلی، کالاهای بهداشتی آرایشی غیراستاندارد و... را شامل می‌شود. با توجه به وجود مسائل و تهدیدات بالا در شهرها و بازارچه‌های مرزی و همچنین وجود جمعیت فعال و جویای کار جوانان این مناطق به

1. Fish
2. Katek
3. Chandoit

نظر می‌رسد توجه بیشتر به مناطق مرزنشین به لحاظ برنامه‌ریزی اقتصادی در جهت اشتغال و امنیت از اهمیت زیادی برخوردار است.

هدف از تأسیس بازارچه‌های مرزی در وهله اول کمک به معیشت و رفاه ساکنین این مناطق می‌باشد و اینکه بازارچه‌های مرزی بتوانند از خالی شدن سکنه و کمک به نگه داشتن جمعیت جلوگیری کنند و همچنین امنیت اجتماعی و اقتصادی منطقه را تضمین کند. بسیاری از ساکنین این مناطق از طریق کولبری و یا بعضاً قاچاق کالا امرار معاش می‌کنند، بنابراین توسعه بازارچه‌های مرزی می‌تواند در جهت افزایش امنیت اجتماعی و همچنین ایجاد اشتغال برای ساکنان این مناطق تأثیر بسزایی داشته باشد. بر همین اساس در تحقیق حاضر، بررسی تأثیرات بازارچه‌های مرزی بر امنیت اجتماعی، اشتغالزایی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی شهرهای مرزی غرب کشور مورد بررسی قرار گرفته که بر اساس بررسی مذکور، به پرسش اصلی زیر پاسخ داده می‌شود: بازارچه‌های مرزی چه تأثیراتی بر امنیت اجتماعی، اشتغالزایی و سیاستگذاری‌های اقتصادی شهرهای مرزی غرب کشور دارند؟

۲- مبانی نظری پژوهش

به عقیده جونز و وایلد^۱، مناطق مرزی به عنوان مناطق حاشیه‌ای و توسعه‌نیافته شناخته می‌شوند. این حاشیه‌ای بودن گرچه می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد، اما خود پدیده مرزی بودن، بسیاری از امکانات و قابلیت‌های آن منطقه را مضمحل می‌سازد.

آنان معتقدند که با برقراری مرز بین دو کشور، فضاهایی که به طور اصولی به یکدیگر متصل‌اند و تداوم فضایی را تأمین می‌کنند، از یکدیگر می‌گسلند و حاشیه‌ای می‌شوند. این حاشیه‌ای بودن، علت عقب‌ماندگی این نواحی است (عنذلیب، ۱۳۹۰: ۳۸).

بر اساس عقاید جونز و وایلد، برای برنامه‌ریزی توسعه مناطق مرزی این اصول باید مورد توجه قرار گیرند:

- ۱- درک پیچیدگی، گستردگی و تنوع متغیرها و تأثیرات آنها در مرز
- ۲- لزوم تأمین شرایط و زیرساخت‌های توسعه مرزها
- ۳- ضرورت خروج از انزوا و گسترش ارتباطات با داخل و خارج
- ۴- لزوم پیوستگی مرز با مرکز
- ۵- لزوم حمایت و پشتیبانی‌های ویژه از این مناطق جهت خروج از محدودیت و دستیابی به توسعه (جونز و وایلد، ۱۹۹۸: ۲۳).

۱-۲- نظریه نئوکینزی (پایه اقتصادی)

طبق این نظریه، افزایش در تقاضای خارجی برای بخش‌های پایه محرک رشد و حرکت اقتصاد منطقه بوده و باعث می‌شود از طریق افزایش تقاضای خارجی برای کالا و خدمات بخش پایه؛ نه تنها درآمد و اشتغال بخش پایه افزایش می‌یابد، بلکه درآمد و اشتغال در بخش غیر پایه نیز افزایش خواهد یافت (زیاری، ۱۳۹۴).

مهمترین نقطه ضعف این نظریه، برداشتی محدود از مفهوم توسعه و اتکاء صرف به اقتصاد و به توزیع عادلانه، مشارکت توده‌ی مردم و اثرات رشد بر محیط‌زیست و مصرف منابع، توجه کمی دارد (صرافی، ۱۳۹۰).

۲-۲- نظریه مکان مرکزی

طبق این نظریه ابتدا مکان‌های مرکزی به دلیل تراکم اندک جمعیت در منطقه به صورت منزوی عمل می‌کنند. بعد از آن با افزایش جمعیت در منطقه بر تعداد مکان‌های مرکزی افزوده می‌شود و باعث تماس محدوده بازار ناحیه‌ها به همدیگر می‌شود و در این مرحله حوزه نفوذ بازار برای فروش کالا و عرضه خدمات گسترش پیدا می‌کند و شعاع آن مساوی می‌شود و بیشتر منطقه را زیرپوشش قرار می‌دهد. سپس افزایش مداوم جمعیت و تراکم آن در منطقه موجب نزدیکتر شدن محدوده بازار ناحیه مکان‌های مرکزی می‌شود طوری که بازار ناحیه‌ها با همدیگر تداخل پیدا می‌کنند و در این مرحله مصرف‌کنندگان ممکن است که بیش از یک مرکز را مورد استفاده قرار دهند. در نهایت مردم ساکن در نواحی مکمل تلاش می‌کنند که هزینه حمل و نقل خود را به حداقل برسانند و برای این منظور نزدیکترین مرکز به خود را انتخاب می‌کنند (حسین زاده دلیر، ۱۳۹۰).

بر اساس نگرش قائل به درک متقابل توسعه و امنیت می‌توان گفت که امنیت و توسعه در مناطق مرزی، با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دوسویه با یکدیگرند. به عبارت دیگر، توسعه و امنیت، تأثیرات متقابلی در مناطق مرزی بر هم دارند؛ به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه و رفاه ساکنان مناطق مرزی تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت آن منطقه و به تبع آن، امنیت ملی دارد و بالعکس به این ترتیب، مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه، از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته‌تر برخوردارند. نکته مهم این که میان "سلسله مراتب توسعه‌ای" و "سلسله مراتب امنیتی" مناطق مرکزی و مناطق مرزی، رابطه وجود دارد. برقراری چنین رابطه‌ای موجبات تحقق "تعادل توسعه‌ای و تعادل امنیتی" را فراهم می‌آورد (عندلیب، ۱۳۹۰: ۱۹۷-۱۹۶).

می‌توان از اقتصاد به عنوان عامل همیشه حاضر در ورای سیاست‌های امنیتی در سطوح مختلف فردی، منطقه‌ای و بین‌المللی یاد کرد و بالاخره این که اقتصاد، ابزار بسیار خوب و کارآمدی به شمار می‌آید که دولت‌های ملی از آن برای دست‌یابی به اهداف امنیتی یاری می‌گیرند (افتخاری، ۱۳۹۵: ۲۹۵-۲۹۴). خلاصه کلام اینکه قدرت اقتصادی یکی از پایه‌های امنیت است و از آن به مثابه موضوعی امنیتی یاد می‌شود که عدم توجه به آن برای دولت‌ها مشکل ایجاد می‌نماید. به عبارت دیگر فقر و محرومیت اقتصادی، بر ثبات داخلی تأثیر گذارده و بنیان امنیت را متزلزل می‌کند (افتخاری، ۲۹۷: ۱۳۹۵).

طبق نظریه قطب رشد توسعه را باید از یک قطب رشد شروع کرد که شعاع آن بعد از توسعه قطب، خود به خود به اطراف پراکنده و منتشر می‌شود (دارونت^۱، ۲۰۱۰: ۵۲). در حقیقت نظریه قطب رشد با پذیرفتن پدیده عدم تعادل منطقه‌ای (بین قطب رشد و نواحی دور از قطب) آن را لازمه توسعه کشورها یا مناطق بزرگ می‌داند. مهمترین عاملی که در ارتباط با تعادل و عدم تعادل‌های منطقه‌ای میان مناطق می‌تواند نابرابری‌های منطقه‌ای را به حداقل ممکن رساند، همکاری‌های بین‌المللی بین دو کشور است به گونه‌ای که کاهش شکاف توسعه بین شهرهای مناطق مرکزی و مناطق مرزی تنها از طریق بکارگیری سیاست‌های گسترش همکاری‌های بین‌المللی و روابط بین مرزی امکان‌پذیر است (پتراکوس و اکونومو^۲، ۲۰۱۷: ۱). در این ارتباط ایجاد بازارچه‌های مرزی را می‌توان در راستای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای تلقی کرده و به‌عنوان بخشی از یک‌راه حل اقتصادی برای کاهش بحران‌های منطقه‌ای، ایجادکننده ثبات در مناطق مرزی و گسترش فعالیت‌های تولیدی و تجاری در نظر گرفت. به این طریق می‌توان رفاه حاصل از تجارت را در این نواحی که از محرومیتی مضاعف نسبت به سایر نقاط کشور برخوردارند، فراهم کرد (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۵: ۱۱).

توسعه اقتصادی نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف اقتصادی است، بدون سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیربنایی و روبنایی نمی‌توان انتظار گسترش، اشتغال، تولید و رفاه اقتصادی را داشت. اقتصاد ایران از اقتصادهای تک محصولی است که وابستگی غیرقابل‌انکاری به صنعت نفت و گاز دارد. اگرچه کشور ما در بازه‌های زمانی پیشین همواره اقتصادی پویا و کارآمد از جنبه رقابتی داشته و دارای عناصر قدرتمندی همچون کشاورزی، تولید انواع محصولات فلزی، نساجی و غیره بوده است، متأسفانه در سده گذشته و با کشف نفت در ایران ترکیب عناصر اقتصاد کشور، تغییر کرده و سمت‌وسوی اقتصاد تک محصولی را یافته و به این نعمت خدادادی منحصر به فرد شدیداً وابسته شده است (رفیعی، ۱۳۹۳).

طراحان نظام اقتصادی به‌ضرورت جایگزینی اقتصاد تک‌محصولی با اقتصادی پویا و کارآمد پی بردند و آن را در دستور کار خود قرار دادند. منطقه آزاد ارس به‌عنوان یکی از مناطق تجاری مهم به علت موقعیت استراتژیک و دستیابی به آبهای آزاد بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای در مبادلات ایران با سایر کشورهای منطقه دارد. از جمله اهداف ناشی از تأسیس منطقه آزاد ارس را می‌توان در جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی، کسب درآمدهای خالص ارزی از طریق توسعه صادرات غیرنفتی و تجارت ترانزیت، ایجاد فرصت‌های اشتغال و درآمد برای منطقه و در نهایت توسعه استان آذربایجان شرقی دانست (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲).

۳-۲- تأثیر منطقه آزاد بر توسعه کالبدی شهر

رشد و توسعه به‌عنوان یک مقوله اقتصادی-اجتماعی، ابتدا از سوی اقتصاددانان و سپس جامعه‌شناسان و پژوهشگران و برخی از علوم مورد توجه و اساس برنامه‌ریزی قرار گرفت. توسعه تنها رشد اقتصادی نیست بلکه جریانی چند بعدی است که در خود تجدید سازمانی و سمت‌گیری کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد توسعه یک کشور یا منطقه، افزایش تولید، دسترسی به تسهیلات زیربنایی و خدماتی، فرصت‌های شغلی

1. Darvent

2. Petrakos & Economou

مناسب، به‌کارگیری تکنولوژی جدید و افزایش نرخ سرمایه‌گذاری مصرف است توسعه منطقه‌ای می‌تواند به‌عنوان یک جنبه پویای سیستم منطقه‌ای یا بطور دقیق به‌عنوان تغییراتی که در مکان‌های مختلف منطقه در طول زمان روی می‌دهد بیان گردد. مطالعات توسعه فضایی در چند دهه اخیر به‌عنوان نگرش‌هایی برای برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی، توزیع بهینه منابع و امکانات و رفاه و ثروت، تخصیص مجدد منابع، رشد متوازن‌تر نواحی و کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای مطرح بود و مورد توجه بیشتر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به خصوص برنامه‌ریزان سیستم شهری قرار گرفته است (هادر^۱، ۲۰۱۶).

۳- پیشینه پژوهش

مانیاتیس^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی وضعیت بازارچه‌های مشترک مرزی اپیروس» با استفاده از روش فرا تحلیل به ضرورت ایجاد بازارچه‌های مشترک در قالب برنامه‌های توسعه یافته و به بررسی مسائل این شهر پرداخته و به ضرورت ایجاد بازارچه‌های مشترک مرزی به منظور رونق اقتصادی مناطق مرزنشین و کاهش مشکلات منطقه تأکید دارد. نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با اتکا به بخش بازرگانی، تجارت و ساماندهی فعالیت‌های این بخش که به صورت رسمی و غیر رسمی آشکار و پنهان صورت می‌گیرد، می‌توان پاره‌ای از مشکلات و معضلات منطقه را کاهش داد و عرصه را برای تقویت و تجهیز سایر زمینه‌های اقتصادی فراهم کرد. چاتالاس و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای به «بررسی اثرات بازارچه مرزی بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی ساکنان شهرهای مونتانا و ویدین بلغارستان» پرداخته‌اند. این پژوهش به صورت توصیفی-پیمایشی و ۷۰۰ نمونه از ساکنین شهرهای مرزی مونتانا و ویدین صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بازارچه مرزی با احتمال ۹۹ درصد بر مؤلفه‌هایی مانند کاهش مهاجرت، افزایش توریسم، افزایش امنیت، بهبود معیشت، خروج منطقه از انزوا و ارتباطات قومی و فرهنگی با آن سوی مرز حائز اثر بوده و در زمینه رفاه اجتماعی و همگنی قومی و فرهنگی اثرگذار نبوده است.

لادهاری^۳ و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی به «ارزیابی نقش بازارچه‌های مشترک مرزی در توسعه و رفاه مناطق مرزنشین؛ مطالعه موردی بازارچه مرزی خاروغ و اشکاشیم تاجیکستان» با استفاده از روش پیمایشی پرداخته‌اند. نتایج مطالعات و بررسی حاکی از آن است که فعالیت و استقرار بازارچه‌ها در منطقه توانسته است در بسیاری از متغیرهای رفاهی از قبیل ایجاد اشتغال، تحرک شغلی مرزنشینان، افزایش درآمد، تأمین مایحتاج نیازهای ساکنان مرزنشین، تغذیه، بهداشت، مسکن و محیط‌زیست، بهبود نسبی ایجاد کنند. همچنین استقرار بازارچه از اقتصاد غیررسمی در این منطقه تا حد زیادی کاسته است اما نتوانسته از خیل عظیم مهاجران روستایی به‌ویژه جوانان به شهر بکاهد. بعلاوه، اینکه بازارچه تمرچین توانسته است امنیت نسبی از لحاظ اقتصادی در منطقه ایجاد کند.

میرایی زاده و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «بررسی نقش اقتصادی-اجتماعی بازارچه‌های مرزی در توسعه مناطق روستایی (مطالعه موردی بازارچه‌های مرزی مهران)» انجام داده‌اند. این پژوهش با استفاده از روش فرا تحلیل پژوهش‌های مرتبط با بازارچه‌های مرزی و آمارهای توسعه بازارچه‌های مناطق مرزی غرب کشور انجام

1. Hadder
2. Maniatis
3. Ladhari

شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد تأثیرات بازارچه مرزی بر اثرات اقتصادی از دیدگاه غرفه داران و روستائیان مثبت و در خصوص تأثیرات اجتماعی و زیرساختی از دیدگاه هردو گروه مورد بررسی منفی بوده است و در زمینه مهاجرت از دیدگاه غرفه داران مثبت وازدید روستائیان منفی می‌باشد.

امان‌پور و همکاران (۱۳۹۴) مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل اثرات بازارچه‌های مرزی بر ساختار اقتصادی- اجتماعی شهرها (شهر جوانرود)» انجام داده‌اند. از جمله دلایل اقتصادی ایجاد بازارچه‌های مرزی می‌توان به ماهیت طرح مدل‌های توسعه منطقه‌ای و اثرات مبادلات دو یا چند جانبه جستجو کرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد درصد بیکاری در شهر جوانرود قبل از راه‌اندازی بازارچه مرزی بالا بوده و این مسئله ناهنجاری‌های اجتماعی- فرهنگی زیادی را به وجود می‌آورد. ایجاد بازارچه مرزی در این شهر سبب شد جوانان جویای کار، به کار مشغول و به تبع آن اقتصاد شهر در وضع بهبودی قرار گیرد که در صورت برنامه‌ریزی صحیح در همه سطوح شهری و منطقه‌ای، این مکان می‌تواند تبدیل به یکی از کانون‌های فعال اقتصادی غرب کشور گردد.

نیازمند و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه گردشگری استان کردستان (مطالعه موردی: بازارچه مرزی باشماق مریوان)» آورده‌اند که بازارچه‌ها، خلاء اقتصادی موجود در محدوده مرزها را جبران کرده و از خالی شدن حاشیه مرزها جلوگیری می‌نمایند، که این امر خود می‌تواند در بالا بردن ضریب امنیت مرزها و افزایش ورود گردشگران، بسیار مؤثر واقع شود. با راه‌اندازی بازارچه‌ها و گذرگاه‌های مرزی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های اقتصادی مرزها، وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم مرزنشین منطقه رونق می‌یابد. این پژوهش حاکی از این است که فعالیت بازارچه مرزی بر توسعه گردشگری استان نقش دارد که این امر خود متقابلاً بر توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی- فرهنگی استان مؤثر است و همچنین توسعه گردشگری باعث افزایش اثرات منفی بر روی محیط‌زیست فیزیکی می‌گردد و در پایان امکانات و خدمات گردشگری بازارچه بر رضایت گردشگران از این امکانات و خدمات مؤثر می‌باشد.

۴- روش شناسی

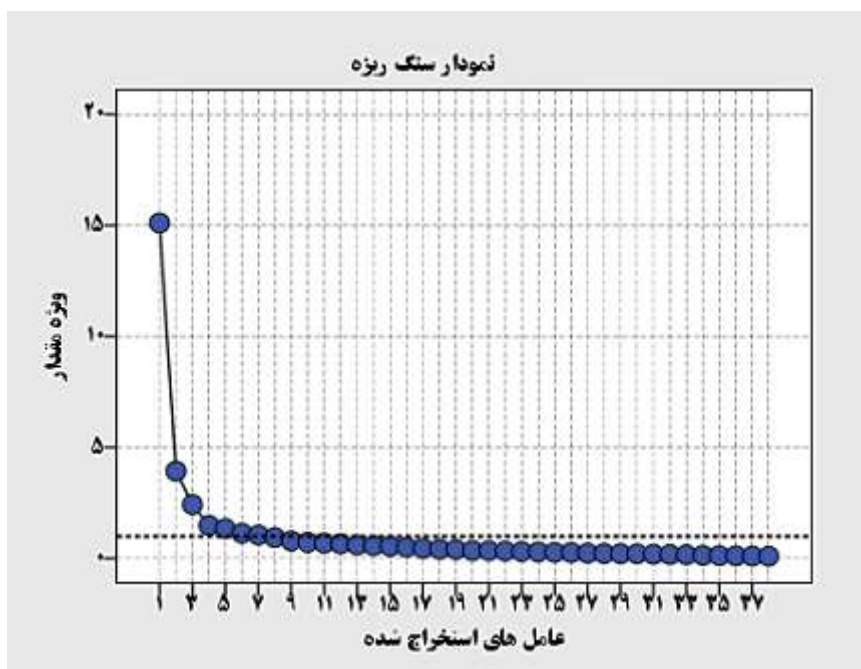
پژوهش حاضر با توجه به اهداف موجود، از نوع پژوهش‌های کاربردی است و نوع پژوهش مبتنی بر پارادایم کیفی- کمی و تکنیک به کارگیری برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل خبرگان و در بخش کمی کلیه سکنه بومی بازارچه‌های مرزی غرب کشور شده است، که جمعیتی در حدود ۳۲۱۰۰۰ نفر می‌باشند. در بخش کیفی پژوهش و به منظور گردآوری داده‌ها در بین خبرگان، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. همچنین در مرحله کمی پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به منظور نمونه‌گیری استفاده گردید. در این مرحله با توجه به وسعت و پراکندگی جامعه آماری ابتدا به صورت تصادفی از بین شهرهای دارای بازارچه هر استان چند شهر انتخاب گردید. سپس با مراجعه به مناطق با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای داده‌های مورد نیاز در بین مردم ساکن در بازارچه گردآوری گردید.

۵- یافته‌های پژوهش

جدول ۱. میزان تفاوت بین دو ماتریس براساس آزمون بارتلت

KMO	آماره بارتلت (توزیع کائی اسکوتر)	درجه آزادی	سطح معناداری
۰/۹۳۱	۷۰۸۲/۶۸۴	۷۴۳	۰/۰۰۱

برحسب مقادیر برآورد شده توزیع کائی اسکوتر (خی دو) برای تفاوت میانگین بین دو ماتریس در سطح خطای ۰/۰۰۱ معنادار است، به عبارتی دیگر مقدار خطای آن برابر با ۰/۰۰۱ است و از آنجا که این مقدار خطای از ۰/۰۵ کمتر است، لذا می‌توان گفت توزیع دو ماتریس با هم برابر نیستند. در نتیجه شرط حداقلی برای پاسخ به سؤال برقرار شد. اما یکی دیگر از معیارهای که در ارتباط با سؤال اول بایستی به آن پاسخ داده شود، معیار کفایت نمونه‌گیری است که برای فهم بهتر آن از جدول زیر که استانداردهای این معیار معرفی می‌کند استفاده شده است.



نمودار ۱. عامل‌های استخراج شده با استفاده از نمودار سنگ‌ریزه

براساس نتایج حاصل شده در نمودار سنگ‌ریز که در محور x آن عامل‌های استخراج شده قرار دارند، پنج عامل توانسته‌اند مقدار واریانس بیشتر از واریانس هر معرف را بدست آوردند که بر همین اساس با استفاده از خط مرجع تنها عوامل اول، دوم، سوم و چهارم با معنا و مفهوم هستند.

جدول ۲. ماتریس همبستگی چرخشی بین گویه‌ها

عامل‌ها							
عامل‌ها	سیاستگذاری اقتصادی	عامل‌ها	اشتغالزایی	عامل‌ها	امنیت اجتماعی	عامل‌ها	بازارچه‌های مرزی
۰/۷۸۵	Q1	۰/۷۱۳	Q1	۰/۸۲۳	Q1	۰/۷۸۵	Q1
۰/۷۷۱	Q2	۰/۷۰۳	Q2	۰/۸۲۰	Q2	۰/۷۷۱	Q2
۰/۸۳۵	Q3	۰/۶۸۷	Q3	۰/۷۴۵	Q3	۰/۸۳۵	Q3
۰/۶۹۷	Q4	۰/۶۵۹	Q4	۰/۷۳۰	Q4	۰/۶۹۷	Q4
۰/۶۸۴	Q5	۰/۶۴۸	Q5	۰/۷۲۵	Q5	۰/۶۸۴	Q5
۰/۶۴۷	Q6	۰/۶۲۳	Q6	۰/۷۲۰	Q6	۰/۶۴۷	Q6
۰/۶۲۸	Q7	۰/۶۱۹	Q7	۰/۶۹۸	Q7	۰/۶۲۸	Q7
۰/۶۰۶	Q8	۰/۵۹۶	Q8	-	-	۰/۶۲۶	Q8
۰/۵۸۴	Q9	-	-	-	-	۰/۶۱۷	Q9
۰/۵۷۶	Q10	-	-	-	-	۰/۶۰۶	Q10
-	-	-	-	-	-	۰/۵۸۸	Q11
-	-	-	-	-	-	۰/۵۸۳	Q12
-	-	-	-	-	-	۰/۵۷۹	Q13
-	-	-	-	-	-	۰/۵۷۳	Q14
-	-	-	-	-	-	۰/۵۶۹	Q15
-	-	-	-	-	-	۰/۵۶۱	Q16
-	-	-	-	-	-	۰/۵۵۶	Q17

در این بخش نقاط برش بارهای عاملی براساس جدول استیونز^۱ (۲۰۰۲) برابر با ۰/۵۱۲ انتخاب گردید و برای این که مشخص شد چه معرفی بر روی کدام عامل و با چه وزنی بارگذاری می‌شود از رویکرد چرخش مایل استفاده شد. این چرخش که بنا به ادبیات نظری انتخاب گردید نشان می‌دهد که عامل‌ها با هم همبستگی دارند. با استناد به نتایج جدول بالا مشخص شد که چه معرفی بر روی کدام عامل بارگذاری می‌شود، که می‌توان نتیجه گرفت که معرف‌های مستخرج در بخش کیفی در عامل‌های تعیین شده قرار گرفتند.

نتایج بدست آمده نشان داد که تعداد ۵۲۷ نفر (۷۰/۸ درصد) مرد و ۲۱۷ نفر (۲۹/۲ درصد) زن می‌باشند. همچنین محل سکونت ۱۱/۰ درصد از افراد نمونه کرمانشاه - ثلاث باباجانی، ۱۲/۰ درصد کرمانشاه - گیلانغرب، ۸/۲ درصد کرمانشاه - پاوه، ۳۶/۰ درصد کردستان - سقز، ۶/۷ درصد ایلام - مهران و ۲۶/۱ درصد آذربایجان غربی - سردشت بوده است.

1. Stevense

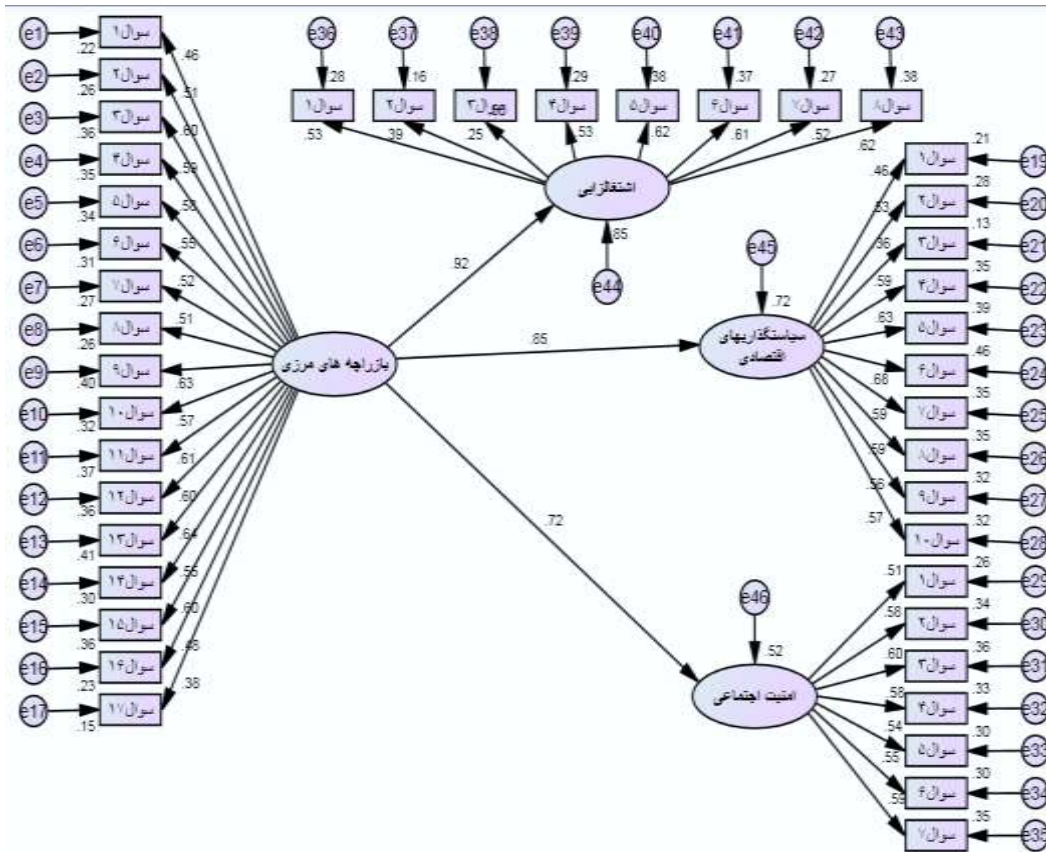
جدول ۳. ضریب همبستگی پیرسون

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	نمونه	متغیر	بازارچه های مرزی
۰/۰۰۱	۰/۲۱۴	۷۴۴	امنیت اجتماعی	
۰/۰۰۰	۰/۳۴۵	۷۴۴	اشتغالزایی	
۰/۰۰۰	۰/۲۵۴	۷۴۴	سیاستگذاری اقتصادی	

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی و سطح معناداری (۰/۰۰۱)، می توان گفت که با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۵ بین امنیت اجتماعی و بازارچه های مرزی رابطه معناداری وجود دارد. مقدار این رابطه برابر با ۰/۲۱۴ است که در حد بسیار ضعیفی می باشد. با توجه به سطح معناداری فرضیه دوم (۰/۰۰۰)، می توان گفت که با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ بین اشتغالزای و بازارچه های مرزی رابطه معناداری وجود دارد. مقدار این رابطه برابر با ۰/۳۴۵ است که در حد نسبتاً متوسطی می باشد. با توجه به سطح معناداری فرضیه سوم (۰/۰۰۰)، می توان گفت که با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای کوچک تر از ۰/۰۵ بین سیاستگذاری اقتصادی و بازارچه های مرزی رابطه معناداری وجود دارد. مقدار این رابطه برابر با ۰/۲۵۴ است که در حد نسبتاً پائینی می باشد.

همچنین نتایج بدست آمده از تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که تمامی عامل ها مورد تأیید قرار گرفتند و پرسشنامه از روایی سازه مناسبی برخوردار است.

پس از طی مراحل تصدیق مدل اندازه گیری و محاسبات روایی سازه و تشخیصی در این مرحله می توان به آزمون روابط بین سازه های تحقیق پرداخت. به این منظور مدل موردنظر در نرم افزار آموس پیاده شد و با روش مدل سازی معادلات ساختاری، با کمک نرم افزار Amoss24 رابطه علی بین متغیرها آزمون شد.



شکل ۱. تأثیر بازارچه‌های مرزی بر امنیت اجتماعی، اشتغالزایی و سیاستگذاری‌های اقتصادی شهرهای مرزی غرب کشور

جدول ۴. شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

مدل	مأخذ	ارزش پیشنهادی	شاخص‌ها
۱/۲۴۶	هایدوک (۱۹۸۷)	≤ ۳۰	$X^2/d.f.$
۰/۹۹	بوگوزی و یای (۱۹۸۸)	$\geq ۰/۹$	CFI
۰/۹۴	بتلر و بونت (۱۹۸۰)	$\geq ۰/۹$	GFI
۰/۹۶	بتلر و بونت (۱۹۸۰)	$\geq ۰/۹$	NFI
۰/۹۹	بتلر و بونت (۱۹۸۰)	$\geq ۰/۹$	IFI
۰/۹۱	یورسکاگوسوربوم (۱۹۸۹)	$\geq ۰/۹$	AGFI
۰/۰۴	جاروانپا و همکاران (۱۹۹۹)	$\leq ۰/۰۸$	RMSEA

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل در مجموع نشان دهنده این است که مدل تدوین شده، توسط داده‌های گردآوری شده حمایت می‌شوند و به عبارتی دیگر برازش داده به مدل برقرار است. اغلب شاخص‌ها در دامنه قابل قبول قرار دارند. شاخص کائی اسکور نسبتی (CMIN/DF) کوچکتر از ۵، شاخص برازش تطبیقی (CFI) بیشتر از ۰/۹۰، شاخص برازندگی (NFI) بیشتر از ۰/۹۰، شاخص نیکویی برازش (GFI) بیشتر از ۰/۹۰، شاخص شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI) بیشتر از

۰/۹۰، شاخص تناسب برازش (NFI) بیشتر از ۰/۹۰ و ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر با ۰/۰۴ بودند که نتایج حاکی از مطلوب بودن مدل است.

جدول ۵. تأثیر بازارچه‌های مرزی بر امنیت اجتماعی، اشتغالزایی و سیاستگذاری‌های اقتصادی شهرهای مرزی غرب کشور

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	برآورد استاندارد	نسبت بحرانی t-value	سطح معناداری P-Value
بازارچه‌های مرزی	←	امنیت اجتماعی	۰/۷۲	۷۵ ۶	۰/۰۰۰
بازارچه‌های مرزی	←	اشتغالزایی	۰/۹۲	۶/۸۶	۰/۰۰۰
بازارچه‌های مرزی	←	سیاستگذاری‌های اقتصادی	۰/۸۵	۶/۵۵	۰/۰۰۰

با توجه به مقادیر برآورد شده در جدول بالا می‌توان گفت متغیر مستقل (بازارچه‌های مرزی) تأثیرگذار بر متغیر وابسته (امنیت اجتماعی، اشتغالزایی و سیاستگذاری‌های اقتصادی) است. به عبارتی دیگر بازارچه‌های مرزی - بر امنیت اجتماعی، اشتغالزایی و سیاستگذاری‌های اقتصادی شهرهای مرزی غرب کشور اثر دارد. لذا با این نتیجه این فرض که مدل مفهومی پژوهش حاضر مدل مطلوبی است، تأیید می‌گردد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

اهالی مرزنشین در بسیاری از نواحی مرزی با افراد آن سوی مرز رابطه‌های فرهنگی، خویشاوندی، قومی و اجتماعی داشته، وجود زبان مشترک و آداب و رسوم اجتماعی نزدیک به هم سبب نزدیکی ساکنین این نواحی به یکدیگر شده است. این امر باعث می‌شود بازارچه‌های دو سوی مرز حالت بومی برای ساکنین دو طرف پیدا نماید، طرفین با اطمینان و شناخت بیشتری به مبادله با یکدیگر پردازند، زبان مشترک این ارتباطات را نزدیکتر نموده است. برای مثال بازارچه‌های مرزی در ناحیه کردنشین عراق تمایل زیادی به مبادله با مناطق کردنشین کشور ما داشته‌اند، یکی از دلایل رونق بازارچه‌ها در این ناحیه را می‌توان وجود مشترکات فرهنگی و قومی دانست.

با توجه به یافته‌های پژوهش که به بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی بر اشتغالزایی در شهرهای مرزی می‌پردازد. به عبارتی دیگر نتایج آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که فعالیت بازارچه‌های مرزی تأثیر معناداری بر اشتغالزایی برای مردم بومی بازارچه و دیگر شهرهای مرزی اطراف آن دارد. اثرات اقتصادی بازارچه‌ها به صورت مستقیم و غیر مستقیم باعث افزایش اشتغال در بین ساکنان منطقه شده است. برخی از ساکنان به صورت مستقیم در بازارچه فعالیت داشته به و تجارت و شغل پاره‌وری و بازرگانی مشغول‌اند و برخی نیز به صورت نیروی خدماتی در

بازارچه مشغول به کار هستند علاوه بر اینها برخی نیز به صورت غیر مستقیم و حمل و نقل اجناس بارچه به داخل و یا خارج کشور، جابجایی مسافر، هتل داری و دیگر مشاغل فعالیت دارند. یافته‌های حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش‌های مانیاتیس (۲۰۱۶)، ادواردو و همکاران (۲۰۱۸)، لادهری و نیکولاس (۲۰۰۹)، سعیدی و همکاران (۱۳۹۵)، میرایی زاده و همکاران (۱۳۹۵)، امان پور و همکاران (۱۳۹۵)، نیازمند و همکاران (۱۳۹۲) و رضایی (۱۳۸۹) همسو می‌باشد. آنها در مطالعات خود نشان دادند که بین وجود بازارچه و اشتغالزایی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش که به بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی بر امنیت اجتماعی مردم شهرهای مرزی می‌پردازد. به عبارتی دیگر نتایج آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که فعالیت بازارچه‌های مرزی تأثیر معناداری بر امنیت اجتماعی بازارچه و دیگر شهرهای مرزی اطراف آن دارد. وجود بازارچه باعث افزایش پایگاه‌های پلیس در سطح شهر شده و علاوه بر امنیت فیزیکی، افزایش اشتغال باعث افزایش احساس امنیت شغلی و بالا رفتن احساس امنیت در شهرهای مرزی شده‌است. یافته‌های حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش‌های لادهری و نیکولاس (۲۰۰۹)، چاتالاس و شوکلا (۲۰۱۵)، امان پور و همکاران (۱۳۹۵)، نیازمند و همکاران (۱۳۹۲) همسو می‌باشد. آنها در مطالعات خود نشان دادند که بین وجود بازارچه و امنیت رابطه معناداری وجود دارد.

تبادلات تجاری مرزنیسان با کشورهای همسایه، سال‌هاست که در شهرهای مرزی ایران رواج داشته و خود به نوعی تجارت در این مناطق تبدیل شده که معیشت عده‌ای از ساکنان نقاط صفر مرزی را تأمین می‌کند. بر این اساس ایجاد بازارچه‌های مرزی که اصولاً خاص کشورهای جهان سوم است در جهت قانونی کردن تبادلات مرزنیسان شکل گرفت. ایجاد بازارچه‌های مرزی اصولاً با اهدافی نظیر ایجاد اشتغال و تأمین معیشت ساکنان این مناطق، کنترل قاچاق کالا و افزایش امنیت مرزها شکل می‌گیرند؛ اما نمی‌توان اذعان کرد که این اهداف تاکنون به صورت واقعی تحقق یافته و اداره این بازارچه‌ها منجر به رونق اقتصادی و اجتماعی مناطق شهری و روستایی محدوده‌های مرزی شده است.

اما نکته مهم آنکه متأسفانه این بازارچه‌ها عملاً به نقاط استراتژیک وارداتی تبدیل شده و در واقع دولت با ارائه مجوز برای ایجاد بازارچه‌های مذکور، زمینه افزایش واردات به کشور را تسهیل و تأیید می‌کند. این در حالی است که بسیاری از مردم مناطق مرزی به دلیل مشکلات اقتصادی توانایی مبادلات مرزی را نداشته و این واسطه‌ها و دلال‌ها هستند که با سوء استفاده از مردم مرزنیسان سودهای کلان به جیب زده منافع خود را تأمین می‌کنند. به همین دلیل طی سال‌های اخیر این بازارچه‌ها اهداف و چشم اندازهای اصلی خود را فراموش کرده و نتوانسته به وضعیت اقتصادی و اجتماعی مرزنیسان کمک شایانی انجام دهد. در نهایت می‌توان اذعان داشت که بازارچه‌های مرزی بیشتر ابعاد اقتصادی منطقه و بازارچه را تغییر داده و کمتر شاخصه‌های فرهنگی همچون سبک زندگی و سرمایه فرهنگی را تغییر داده است.

به اعتقاد محقق بازارچه‌ها با رونق اقتصادی و تقویت بازارچه‌ها با افزایش اشتغال در مناطق مرزی و رونق گردشگری علاوه بر اشتغالزایی باعث رونق کسب‌وکار در این شهرها شده و این امر باعث بهبود نسبی وضعیت اقتصادی ساکنان شده است. با بهبود وضعیت اقتصادی کیفیت زندگی ساکنان نیز به دلیل احداث مراکز بهداشتی، دسترسی راحت‌تر به وسایل نقلیه، و امکانات زندگی و همچنین اهمیت بیشتر به سلامت افزایش یافته است. اما تأثیرات بازارچه‌های مرزی بر شاخصه‌های فرهنگی مخصوصاً در بعد سرمایه فرهنگی بسیار کمتر از شاخصه‌های اجتماعی است.

فهرست منابع:

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۵). **معمای امنیت عمومی**. درآمدی بر جایگاه تازه پلیس در جامعه، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.
- امان پور، سعید؛ منصوری میانرود، فریبرز؛ ایصافی، ایوب؛ نادری، کاوه (۱۳۹۴). **بررسی و تحلیل اثرات بازارچه‌های مرزی بر ساختار اقتصادی و اجتماعی شهرها (نمونه موردی: شهر جوانرود)**. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت. چالش‌ها و رهیافت‌ها. دوره ۱.
- پورنظمی، یوسف (۱۳۸۹). **بررسی عملکرد بازارچه‌های مرزی سرو و نقش آن در رشد و توسعه اقتصاد منطقه‌ای**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۹۰). **برنامه‌ریزی ناحیه‌ای**، تهران، انتشارات سمت.
- دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۹۵). **بررسی روند تشکیل بازارچه‌های مرزی مشترک و تحلیل وضعیت فعلی آنها**. تهران، انتشارات وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- رضایی، علی (۱۳۹۷). **چون و چرای بازارچه‌های مرزی**. ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی (اقتصاد ایران)، دفتر هماهنگی امور اقتصادی استانداری‌های وزارت کشور، سال چهارم، شماره ۳۶.
- رضویان، محمدتقی (۱۳۹۱). **مدیریت عمران شهری**، تهران، پیوند نو.
- رفیعی، محمدتقی (۱۳۹۳). **جایگاه فراموش‌نشده‌ی مناطق آزاد در برنامه‌های توسعه کشور**، ماهنامه تخصصی منطقه آزاد، شماره ۱۱.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۹۲). **سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استان‌های ایران**، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶.
- زیاری، کرامت‌الله؛ بیرانوند زاده. مریم؛ رستمی گورانی، ابراهیم (۱۳۹۴). **نقش منطقه آزاد چابهار در توسعه منطقه‌ای استان سیستان و بلوچستان**. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام
- صرافی، مظفر (۱۳۹۰). **مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای**. تهران. انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. چاپ دوم.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۹۰). **نظریه پایه و اصول آمایش مرزی جمهوری اسلامی ایران**. دوره عالی جنگ، تهران.
- سیدی، سیدحمیدرضا (۱۳۹۴). **جهاد اقتصادی در مورد مبارزه با قاچاق کالا و ارز**، سازمان مرکزی علیه قاچاق کالا و ارز. تهران، معاون فرهنگ و تبلیغات.

علیزاده، تهینه (۱۳۹۳). **بررسی تأثیرات اقتصادی اجتماعی توسعه منطقه‌ای با تأکید بر مناطق آزاد تجاری (مطالعه موردی: پارس آباد مغان)**. همایش ملی مرزنشینی توسعه پایدار و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، شهرستان پارس آباد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس آباد مغان.

میرایی زاده، فاطمه؛ سعدی، حشمت اله (۱۳۹۵). **بررسی نقش اقتصادی اجتماعی بازارچه‌های مرزی در توسعه مناطق روستایی (مطالعه موردی بازارچه‌های مرزی مهران)**، پایان نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی، مؤسسه آموزش عالی عمران و توسعه دانشکده علوم کشاورزی.

نیازمند، جمال؛ نظری، علی اکبر؛ بهزا، اردوان (۱۳۹۲). **نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه گردشگری استان کردستان (مطالعه موردی: بازارچه مرزی باشماق مریوان)**، پایان نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه غیر دولتی. مؤسسه آموزش عالی آبا. دانشکده مدیریت.

Chattalas. M. & Shukla. P. (۲۰۱۵) Impact of value perceptions on luxury purchase intentions: a developed market comparison. *Luxury Research J* Vol. 1. NO. 1.

Chandoevwhite. Worawan & Chalamwong .Yongyuth & Paitoonpong .Svawooth (2014). **Thailand's Cross BORDER Economic. A case Study of Sakaeoand Chiang Rai**. Thailand Development Resource Institute (TDRI).

Darvent. D.F (2010). **A critique of Pol Pot Growth Theories and Center for Growth in Regional Planning**. translated by Dr. ParvizEhlali. Tehran. Planning and Budget Organization Publications.

Fish. S. (2018). **Is There a Text in This Class? The Authority of Interpretative Communities**. Cambridge. MA. Harvard University Press.

Jones .P. N. & Wild. T. (2015). **Opening the Frontier: Recent spatial Impacts in the Inner_german Border Zone**. Regional Studies. Vol. 28. NO. 3.

Hadder. H. (2016). **Urbanisation and Regional Development. Maruzen. Planning: Mixing data**. experts and Gis. p. 3.

Kottak. Philip. C.(2019). **Cultural Anthropology**. New York. McGraw Hill.

Ladhari . R (2009), **A review of twenty years of SERVQUAL research**. International Journal of Quality and Service Sciences. Vol. 7. Issue. 2. 172-198. <https://doi.org/10.1108/17566690910971445>.

Maniatis. P (2016), **Investigating factors influencing consumer decision-making while choosing green products**. Journal of Cleaner Production. Vol. 132. 215-228.

Petrakos. G. & Economou. D (2017). **The Spatial aspects of development in South–Eastern Europe**. [http://www.ersa.Org/ersacofs/ersaoz/cd-rom/paper/ 139 .pdf].